

## آیا حضرت مهدی علیه السلام قرآن جدید، سنت جدید و دین جدید می‌آورد؟

روایاتی از ائمه علیهم السلام نقل شده است که خبر از ظهور حضرت مهدی (عج) با کتاب جدید، سنت جدید و دین می‌دهند که عده‌ای از وهابیان نیز با توجه به دشمنی‌شان با شیعه، شروع به شبهه پراکنی می‌کنند که مهدی شیعیان کتاب جدید و سنت جدید در مقابل قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد و با این کتابش مردم را گمراه می‌کند. بخاطر همین ابتداء چند نمونه از این روایات را نقل کرده و بعد به پاسخ این شبهه می‌پردازیم:

نعمانی روایتی را در کتاب الغیبه خود از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است:

..... عن أبي جعفر محمد بن علي... قال عليه السلام: إذا خرج يقوم بأمر جديد، وكتاب جديد، وسنة جديدة، وقضاء جديد...

امام قائم که قیام کند امری نو و کتابی نو و قضاوتی نو خواهد داشت.

النعمانی، محمد بن ابراهیم، (متوفای 380)، کتاب الغیبه، ص 264، تحقیق: فارس حسون کریم، قم ناشر: أنوار الهدی، سال چاپ: 1422، چاپ: الأولى

همچنین نعمانی روایت دیگری را نیز این چنین کرده است:

بن یعقوب الجعفی أبو الحسن، قال: حدثنا إسماعیل بن مهران، قال: حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه وهيب بن حفص، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: إنه قال لي أبي (عليه السلام): لا بد لنا من أذربيجان لا يقوم لها شيء، وإذا كان ذلك فكونوا أحلاس بيوتكم، وألبدوا ما ألبدنا، فإذا تحرك متحركنا فاسعوا إليه ولو حبوا والله لكأني أنظر إليه بين الركن والمقام يبايع الناس على كتاب جديد على العرب شديد، وقال: ويل لطغاة العرب من شر قد اقترب ابو بصير از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پدرم- امام باقر علیه السلام- به من فرمود: ناگزیر آتشی از ناحیه آذربایجان زبانه خواهد کشید که هیچ چیز در مقابلش نتواند ایستاد، چون چنین شود خانه‌نشین باشید (بی‌طرف بمانید) و تا آنگاه که ما در خانه نشسته‌ایم شما نیز خانه‌نشین باشید و چون کسی که از طرف ما فعالیت خود را آغاز کرد به سوی او بشتابید اگر چه با راه رفتن با دست و زانو باشد به خدا سوگند گوئی هم اکنون به او می‌نگرم که میان رکن و مقام به فرمانی جدید از مردم بیعت می‌گیرد، فرمانی که بر عرب سخت‌گران است، و (پدرم) فرمود: وای بر سرکشان عرب از شری که روی نموده است».

النعمانی، محمد بن ابراهیم، (متوفای 380)، کتاب الغیبه، ص 200، تحقیق: فارس حسون کریم، قم ناشر: أنوار الهدی، سال چاپ: 1422، چاپ: الأولى

### پاسخ:

ابتداء به صورت اجمال باید بگوییم طبق روایات نقل شده، شکی نیست که حضرت مهدی علیه السلام به همان قرآنی عمل خواهد کرد که بر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است و سنت پیامبر (ص) و دین اسلام را اجرا خواهد کرد و اگر در برخی روایات نقل شده است که حضرت کتاب جدید، سنت جدید و دین و یا امر جدید می‌آورد، این بدین معنا نیست که قرآنی در مقابل قرآن نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد و یا سنتی و دینی بر خلاف سنت و دین پیامبر (ص) می‌آورد، بلکه مراد، تجدید احکام، اجرای حدود تعطیل شده کتاب الهی، اصلاح و رای و افکار نادرست

مردم، و زدودن فرسودگی و کهنگی از قرآنی و سنت و اسلام است که فقط نقش آن باقی مانده است. اما چون این ها برای مردم تازگی دارد، فکر می‌کنند قرآن جدید و یا سنت جدید و دین جدید است.

اما به صورت تفصیلی باید بگوییم:

**حضرت مهدی علیه السلام به همان قرآن نازل شده و سنت پیامبر (ص) عمل می‌کند**

در روایات فراوان اهل سنت و شیعه، بر این مطلب تأکید شده است که در عصر ظهور، حضرت مهدی علیه السلام قرآن و سنت را معیار اجرای احکام قرار خواهد داد. در این روایات با تعبیر متفاوتی همچون احیاء قرآن، عمل به قرآن، دعوت به قرآن و قضاوت بر اساس قرآن، به این نکته اشاره شده است لذا امام مهدی علیه السلام به هیچ عنوان در صدد کنار زدن قرآن کریم و جایگزین کردن کتاب دیگری به جای آن نیستند پاره‌ای از روایات یاد شده از این قرارند:

## منابع شیعه

### روایت اول

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا از زبان امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده که ائمه علیهم السلام از قرآن نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله جدا نیستند:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مِنَ الْعِترَةِ؟ فَقَالَ: أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأئِمَّةُ التَّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيُّهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَوْضَهُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: از امیر المؤمنین سلام الله علیه پرسیدند: معنی گفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرموده: «انّی مخلف فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» چیست؟ و عترت چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: مقصود از عترت، من و حسنین و نه نفر از اولاد حسین هستیم، نفر نهمی مهدی و قائم عترت است، اینان از قرآن جدا نخواهند شد تا آنگاه که در کنار حوض خدمت پیغمبر برسند.

الصدوق، محمد بن علی (متوفای 381هـ)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 60، مؤسسة الأعلمی - بیروت.

این روایت ثابت می‌کند که اهل بیت علیهم السلام از قرآن کریم جدا نمی‌شوند.

سند این روایت صحیح است. در ذیل به بررسی روایان آن می‌پردازیم:

### بررسی سند روایت :

**احمد بن زیاد بن جعفر همدانی:**

او از اساتید شیخ صدوق رحمت الله علیه است و شیخ از او به بزرگی یاد کرده و می‌گوید:

وكان رجلا ثقة دينا فاضلا رحمة الله عليه ورضوانه.

«او شخص مورد اعتماد، متدین و فاضل بود، رحمت و رضوان خداوند بر او نثارش باد».

کمال الدین و تمام النعمة، ص 369

علامه حلی نیز گوید:

كان رجلاً ثقة دينا فاضلا رضي الله عنه

الخلاصة للحلي ص 19

**علي بن ابراهيم بن هاشم :**

نجاشي در خصوص ثقه بود او گوید:

قال النجاشي: القمي، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

او قمي ثقه در روايت، ثابت، معتمد، و صحيح المذهب بود

معجم رجال الحديث، ج 12 ص 212، رقم: 7830.

**ابراهيم بن هاشم :**

حضرت آيت الله خوئي در شرح حال او مي نويسد:

أقول: لا ينبغي الشك في وثاقة إبراهيم بن هاشم، ويدل على ذلك عدة أمور:

1. أنه روى عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا، وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. وتقدم ذكر ذلك في (المدخل) المقدمة الثالثة.

2. أن السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته، حيث قال عند ذكره رواية عن أمالي الصدوق في سندها إبراهيم بن هاشم: " ورواة الحديث ثقات بالاتفاق ". فلاح السائل: الفصل التاسع عشر، الصفحة 158.

3. أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم. والقميون قد اعتمدوا على رواياته، وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث، فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على أخذ الرواية عنه، وقبول قوله.

من مي گويم: شايسته نيست که در وثاقت ابراهيم بن هاشم تردید شود، براي اثبات اين مطلب چند مطلب دلالت دارد:

1. علي بن ابراهيم در تفسير خود روايات زيادي از او نقل کرده است؛ در حالي که او در اول کتاب خود ملتزم شده است که هر

چه در اين کتاب آورده است، به واسطه افراد ثقه به او رسيده است. بحث اين مطلب در کتاب المدخل مقدمه سوم گذشت.

2. سيد بن طاووس ادعای اتفاق بر وثاقت او را کرده است؛ چنانچه در ذکر روايتي که او در سندش ابراهيم بن هاشم وجود دارد گفته: تمام روايات آن به اتفاق علما ثقه هستند.

3. او نخستين کسي است که حديث مردم کوفه را در قم انتشار داد و قميها به روايات او اعتماد کرده اند. در ميان قميها کسانی بودند که در باره روايت سختگير بودند، اگر در او احتمال اشکال وجود داشت، تمام قميها بر گرفتن روايت از او و قبول رواياتش اتفاق نمي کردند.

معجم رجال الحديث، ج 1 ص 291، رقم: 332.

**محمد بن ابي عمير:**

وي از اصحاب اجماع مي باشد

نجاشي در خصوص او گوید:

قال النجاشي: جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

او نزد موافق و مخالف جليل القدر و داراي منزلت و مقام والايي است

رجال النجاشي ص 327

کشي نیز گوید:

أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقهم و أقروا لهم بالفقه و العلم و هم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذين ذكرناهم في أصحاب أبي عبد الله ع منهم يونس بن عبد الرحم

رجال الكشي ص 556

شیخ طوسي نیز گوید:

ثقة

رجال الطوسي ص 365

وي همچنین گوید:

كان من أوثق الناس عند الخاصة و العامة

او نزد شیعه و سنی از موثقتترین افراد بود

فهرست الطوسي ص 405

غیاث بن ابراهیم التمیمی الأسدی :

نجاشی گوید:

ثقة

رجال النجاشي ص 305

روایت دوم

شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب کمال الدین روایت دیگری را نیز چنین نقل می‌کند:

63. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَجًا فِي أَرْضِهِ وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نَفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا.

سلیم بن قیس هلالی از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: به درستی که خدای تبارک و تعالی ما را پاکیزه و معصوم گردانید، و ما را گواه بر خلق خود و حجت در زمین قرار داد، ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داد، نه ما از قرآن جدا شویم و نه او از ما جدا می‌شود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص 240، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، 1405هـ

همچنان که ملاحظه نمودید، حضرت علی علیه السلام در روایت فوق بیان نمودند که اهل بیت علیهم السلام (که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از مصادیق آن می‌باشند) همواره همراه قرآن هستند و هرگز از آن جدا نمی‌شوند

سند این روایت صحیح است. در ذیل به بررسی روایان آن می‌پردازیم:

بررسی سند روایت

**محمد بن الحسن بن وليد:**

نجاشي در توثيق او گوید:

**شيخ القميين و فقيهم و متقدمهم و وجههم**

او استاد علمای قم، فقیه آنها بود و بر همگی مقدم و در میان علمای قم، چهره برتر بود.

**رجال النجاشي ص 383 الخلاصة للحلي / ص ۱۴۷**

شيخ طوسي گوید:

**جليل القدر بصير بالفقه ثقة**

**رجال الطوسي ص 439**

**محمد بن الحسن الصفار:**

نجاشي در خصوص او گوید:

كان وجهها في أصحابنا القميين ثقة عظيم القدر راجحاً

وي از چهرهای برتر در میان علمای قم بود و فردي مورد وثوق و والا مقام و برتر بود

**رجال النجاشي ص 354 الخلاصة للحلي / ص ۱۵۷**

**احمد بن محمد بن عيسي:**

نجاشي درباره او گوید:

**أبو جعفر رحمه الله شيخ القميين و وجههم و فقيهم**

شيخ طوسي نیز می نویسد:

**ثقة**

**رجال الطوسي ص 351**

**الحسين بن سعيد**

شيخ طوسي در فهرست گوید:

**ثقة**

**فهرست الطوسي ص 150**

در رجالش نیز گوید:

**الأهوازي ثقة**

**رجال الطوسي ص 355**

**حماد بن عيسي:**

نجاشي گوید:

**كان ثقة في حديثه صدوقاً**

او فردي مورد اطمینان و در حدیث راستگو بود.

**رجال النجاشي ص 143**

شيخ طوسي گوید:

در رجال نیز گوید:

**سليم بن قيس الهالبي :**

سليم بن قيس هالبي، از اصحاب و یاران خاص پنج امام اول شیعیان بوده است. آیت الله خوئی در شرح حال او می‌نویسد:

سليم بن قيس: قال النجاشي في زمرة من ذكره من سلفنا الصالح في الطبقة الأولى: (سليم بن قيس الهالبي له كتاب، يكنى أبا صادق).

آقای خوئی رضوان الله تعالی علیه سپس در ادامه نکاتی را در باره او این چنین بیان می‌کند:

الأولى: أن سليم بن قيس - في نفسه - ثقة جليل القدر عظيم الشأن، ويكفي في ذلك شهادة البرقي بأنه من الأولياء من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام، المؤيدة بما ذكره النعماني في شأن كتابه، وقد أوردته العلامة في القسم الأول وحكم بعدالته.

سليم بن قيس هالبي.. نجاشي او را در زمره گذشتگان صالح از طبقه اول آورده است...

سليم بن قيس هالبي في نفسه، ثقة، جليل القدر و والا مقام است. براي اثبات اين مطلب، شهادت برقي به اين كه او اولياء اصحاب امير مؤمنان عليه السلام بوده كفايت مي‌كند. اين مطلب را گفتار نعماني در باره كتاب سليم تأييد مي‌كند. علامه حلي نيز او را در قسم اول آورده و حكم به عدالتش کرده است.

معجم رجال الحديث، ج 9، ص 226، رقم: 5401.

همانطوري كه ملاحظه نموديد در دو روايت فوق بيان شد كه اهل بيت عليهم السلام از جمله امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف همواره در کنار قرآن بوده و لحظه‌اي از آن جدا نيستند. بنا بر اين اين ادعا مبني بر اينكه حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف قرآن جديدي غير قرآن رسول خدا صلي الله عليه و آله مي‌آورند، كاملا بي اساس است.

علاوه بر دو روايت فوق، روايات ديگري نيز در اين زمينه وجود دارد كه به خاطر اختصار فقط به ذكر روايات بسنده مي‌كنيم.

## روايت سوم

كليني روايتي را نقل کرده است که در آن اشاره شده است که امام مهدي عليه السلام به کتاب خدا عمل می‌کند:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَآتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهَا فَقَالَ لَهُ كَذَلِكَ نَحْنُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا نَدْخُلُ أَحَدًا فِي ضَلَالَةٍ وَلَا نُخْرِجُهُ مِنْ هُدَىٰ إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّىٰ يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَرَىٰ فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ.

احمد بن عمر می‌گوید: امام باقر علیه السلام در پاسخ مردی که به آن حضرت گفت: شما خاندان رحمت هستید که خدای تبارک و تعالی شما را مخصوص و ویژه آن گردانیده، فرمود: ما این چنین هستیم، و خدای را سپاسگزاریم. ما هیچ کسی را در گمراهی نیفتانیم و از راه راست بیرون نبریم. همانا دنیا به پایان نرسد تا آنکه خداوند عزوجل مردی از خاندان ما

اهل بيت که به کتاب خدا عمل کند و در میان شما عمل زشتی نمی‌بیند مگر آنکه انکارش می‌کند.

الکلبی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الأصول من الکافی، ج 8 ص 396، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

## روایت چهارم

همچنین در روایت دیگر از امام باقر علیه السلام آمده است که حضرت مهدی (ع) عالم به قرآن و سنت پیامبر (ص) است:

و بهذا الإسناد (حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَالِكٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ ص لِيَنْبُتُ فِي قَلْبِ مَهْدِيْنَا كَمَا يَنْبُتُ الزَّرْعُ عَنْ أَحْسَنِ نَبَاتِهِ

جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: علم به کتاب خدای تعالی و سنت پیامبرش در قلب مهدی ما می‌روید و نشو و نما می‌کند همچنان که نباتات به بهترین وجه نشو و نما می‌کند

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381 هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص 653، تحقیق: علي اکبر الغفاري، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، 1405 هـ. (مکتبه اهل بیت)

## روایت پنجم

در روایات دیگر نیز بیان شده است که در زمان ظهور زنان نیز طبق کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) در خانه‌هایشان حکم می‌کنند. این نشان از این دارد که در زمان امام مهدی علیه السلام احکام طبق قرآن نازل شده و سنت پیامبر (ص) جاری می‌شود.

نعمانی روایتی را ذیل بیان (نشانه‌ها و کردار آن امام مهدی علیه السلام) از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است:

... رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَ يَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ

حمران بن أعین از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: مردی از ما خاندان در هر سالی دو نوبت به شما بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو نوبت به شما عطا خواهد نمود، در دوران او شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود بر اساس کتاب خدای تعالی و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به انجام تکالیف شرعی خود پردازد.

النعمانی، محمد بن إبراهيم متوفای 380، کتاب الغيبة، ص 245، تحقیق: فارس حسون کریم، چاپ: الأولى، سال چاپ: 1422، چاپخانه: مهر - قم، ناشر: أنوار الهدی

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111 هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 52 ص 352، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 هـ - 1983 م.

## روایت هفتم

صدوق روایتی را از جابر نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند مهدی موعود علیه السلام به سنت پیامبر (ص) عمل می‌کند:

عن عبد الله بن المغيرة عن سفيان بن عبد المؤمن الأنصاري، عن عمرو ابن شمر، عن جابر قال ... وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وهو رجل مني اسمه كاسمي يحفظني الله فيه ويعمل بسنتي يملأ الأرض قسطا وعدلا ونورا بعد ما تمتلي ظلما

حضرت فرمودند: آن حضرت مردی است از من، اسمش همچون اسم من بوده و خدا امر من را در او حفظ و نگاه می‌دارد، به سنت من عمل کرده و زمین را پر از عدل و داد و نور نموده بعد از آن که از ظلم و ستم و زشتی‌ها پر شده باشد.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ)، علل الشرائع، ج 1 ص 161 تحقیق: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: المكتبة الحيدرية - النجف، 1385هـ - 1966م

طبق این روایات که دارای تعدد طرق نیز هستند، قرآنی که در زمان حضرت مهدی علیه السلام مورد عمل قرار می‌گیرد، همان قرآنی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و به همان سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌کند

## منابع اهل سنت

در روایات معتبر اهل سنت نیز نقل شده است که حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور طبق سنت پیامبر (ص) با مردم رفتار می‌کند و دین اسلام را در زمین پیاده می‌کند:

## روایت اول

روایت معتبری را ابویعلی نقل کرده است که در آن آمده است حضرت مهدی علیه السلام به شریعه و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌کند:

حدثنا أبو هشام الرفاعي حدثنا وهب بن جرير حدثنا هشام بن أبي عبد الله عن قتادة عن صالح أبي الخليل عن صاحب له وربما قال صالح عن مجاهد عن أم سلمة زوج النبي صلى الله عليه وسلم قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم . فيخرج رجل من قريش من أهل المدينة... فيقسم بين الناس فيئهم ويعمل فيهم سنة نبيهم ويلقي الإسلام بجرانه إلى الأرض مردی از قریش از اهل مدینه اموال را بین مردم تقسیم می‌کند و در میان مردم به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند و اسلام را به طور کامل در روی زمین پیاده می‌کند

أبو يعلي الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفای 307 هـ)، مسند أبي يعلي، ج 12 ص 369 تحقیق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، 1404 هـ - 1984م. محقق کتاب گوید:

## إسناده من طريق مجاهد حسن

أبو يعلي الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفای 307 هـ)، مسند أبي يعلي، ج 12 ص 369 تحقیق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، 1404 هـ - 1984م. ابن ماجه نیز این روایت را با اندکی اختلاف نقل کرده است:

...فَيَقْسِمُ الْمَالَ وَيَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ

در میان مردم به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند و اسلام را به طور کامل در روی زمین پیاده می‌کند السجستاني الأزدي، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفای 275هـ)، سنن أبي داود، ج 4 ص 107 تحقیق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر.

ابن قيم این روایت را نقل و گوید:

ورواه أبو يعلى الموصلي في مسنده من حديث قتادة عن صالح أبي الخليل عن صاحب له وربما قال صالح عن مجاهد عن أم سلمة والحديث حسن ومثله مما يجوز أن يقال فيه صحيح



الزرعي الدمشقي الحنبلي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أبي بكر أيوب (مشهور به ابن القيم الجوزية) (متوفى 751هـ)، المنار المنيف في الصحيح والضعيف، ج 1 ص 145 تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، ناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، 1403هـ.

ابن حجر نیز در خصوص این روایت گوید:

**وصح أنه صلى الله عليه وسلم قال ( يكون اختلاف**

الهيثمى، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر (متوفى 973هـ)، الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة، ج 2 ص 476 تحقيق عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان، الطبعة: الأولى، 1417هـ - 1997م.

شارحين این روایات نیز اشاره کرده‌اند که این شخص مهدی می‌باشد که طبق شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌کند ملا علی قاری در این خصوص گوید:

**أي المهدي في الناس ( بسنة نبیهم ) أي شریعته**

مهدی در بین مردم به شریعت پیامبر (ص) عمل می‌کند

ملا علی قاری، نور الدین أبو الحسن علی بن سلطان محمد الهروی (متوفى 1014هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج 10 ص 94 تحقيق: جمال عیتانی، ناشر: دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2001م. عظیم آبادی نیز قریب به این تعبیر را ذکر می‌کند:

**ويعمل ( أي المهدي ) ( في الناس بسنة نبیهم ) فیصیر جمیع الناس عاملین بالحديث ومتبعیه**

مهدی در بین مردم به سنت عمل می‌کند یعنی اینکه مردم را عمل به روایات و پیروان آن می‌گرداند

العظیم آبادی، محمد شمس الحق (متوفى 1329هـ)، عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج 11 ص 255 ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الثانية، 1995م.

## روایت دوم

طبرانی روایتی را چنین نقل می‌کند:

حدثنا أحمد قال حدثنا أبو جعفر قال حدثنا محمد بن سلمة عن أبي الواصل عن أبي الصديق الناجي عن الحسن بن يزيد السعدي أحد بني بهدلة عن أبي سعيد الخدري قال سمعت رسول الله يقول يخرج رجل من أمتي يقول بسنتي مردی از امت من خروج می‌کند که به سنت من سخن می‌گوید.

الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن أيوب (متوفى 360هـ)، المعجم الأوسط، ج 2 ص 15 تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ناشر: دار الحرمین - القاهرة - 1415هـ.

## روایت سوم

در کتاب السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها، روایت دیگری چنین نقل شده است:

حدثنا عبدالله بن عمرو حدثنا عتاب بن هارون حدثنا الفضل بن عبيدالله حدثنا عبدالله بن عمرو حدثنا محمد بن سلمة حدثنا أبو الواصل 4 عن أبي أمية الحبلى عن الحسن بن يزيد السعدي عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يخرج رجل من أمتي يعمل بسنتي ينزل الله له البركة من السماء

المقرئ الداني، أبو عمرو عثمان بن سعيد الوفاة: 444، السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها ج 5 ص 1063، دار النشر: دار العاصمة - الرياض - 1416، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. ضياء الله بن محمد إدريس المباركفوري

المقدسي الشافعي السلمی، جمال الدین، یوسف بن یحیی بن علی (متوفای: 685 هـ)، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ج 1 ص 229، طبق  
برنامه الجامع الكبير.

بنابراین وقتی مهدی موعود (ع) ظهور کند، به همان قرآن نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و به سنت ایشان در بین  
مردم عمل خواهد کرد و دین اسلام را آشکار می‌کند

مراد تجدید احکام تعطیل شده قرآن و سنت و اسلام است

پیرایه‌هایی که در طول تاریخ اسلام توسط حکام جور، فاسق و نالایق و دیگران به اسلام بسته شده است، دین مبین اسلام را  
طوری نشان داده است که اگر حضرت مهدی علیه السلام بخواهد آنها را از اسلام دور کند و حقیقت قرآن و اسلام را آشکار  
سازد، مردم گمان خواهد کرد که حضرت یک قرآن و اسلام جدیدی را آورده است در صورتی که حضرت برنامه‌های همان  
اسلامی را به اجرا می‌گذارد که جدش رسول الله صلی الله علیه و آله آن را از طریق وحی آورده بود. همچنانکه در روایات نیز  
به این امر اشاره شده است.

در دعاها و روایات مربوط به امام زمان علیه السلام، امام به عنوان تجدید کننده احکام تعطیل شده قرآن که مردم به آن  
عمل نمی‌کنند، معرفی شده است که در این صورت مراد از کتاب جدید یعنی زنده کننده احکام قرآن است. همچنین بیان  
شده است که حضرت مهدی علیه السلام فرسودگی را از اسلام بر طرف کرده و اسلام را زنده و آشکار می‌کند

در دعای معروف و معتبر عهد که ابن المشهدی نیز آن را نقل کرده است، به این مسئله چنین اشاره شده است:

واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك ، وناصر لمن لا یجد ناصرًا غیرك ، ومجددا لما عطل من احکام کتابك ، ومشیدا لما ورد  
من اعلام دینك و سنن نبیک صلی الله علیه و آله ، واجعله اللهم ممن حصننه من بأس المعتدین .

پروردگارا! او را پناه بندگان ستمدیده‌ات و یاور مردمی که جز تو یآوری ندارند قرار ده! او را بفرست تا احکام تعطیل شده  
کتابت (قرآن) را تجدید و آثار دینت و سنت‌های پیغمبرت را محکم کند و او را از خطر وجود دشمنان، در پرتو لطف خود  
نگاهداری!

المشهدی الحائری، الشیخ أبو عبد الله محمد بن جعفر بن علی (متوفای 610 هـ)، المزار، - ص 665، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی، ناشر:  
مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة: الأولى، رمضان المبارک 1419 هـ.

الكفعمی، متوفای (905) المصباح 552، بیروت، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ: الثالثة، سال چاپ: 1403 - 1983 م

این دعا را علامه مجلسی نقل و در خصوص اسناد آن گوید:

مَا رُوِيَ بِالْأَسَانِيدِ الْمُعْتَبَرَةِ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا فَإِنْ  
مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ الدُّعَاءُ  
بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج 53 ؛ ص 327

همچنین در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در این خصوص چنین آمده است:

.. إِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يَرَى وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ  
فَجِيئَنِي يَأْذُنُ اللَّهِ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَ يُجَدِّدُ الدِّينَ

دوازدهمین فرزندم از نظرها پنهان می‌گردد و دیده نمی‌شود و زمانی بر پیروان من خواهد آمد که از اسلام جز نام و از قرآن  
جز نقشی باقی نماند. در این هنگام خداوند بزرگ به او (مهدی) اجازه می‌دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می‌کند

الخرزاق القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر ، ص 15، تحقيق: السيد عبد اللطيف

الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، 140 هـ .

در دعای که از امام مهدي عليه السلام نیز نقل شده است ، چنین آمده است:

دُعَاءُ آخَرَ مَرُورِيٍّ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَ خَرَجَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الضَّرَائِبِ الْأَصْفَهَانِيِّ بِمَكَّةَ بِإِسْنَادٍ لَمْ نَذْكُرْهُ اخْتِصَارًا نُسَخْتُهُ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... اللهم ! جدد به ما امتحى من دينك وأحي به ما بدل من كتابك وأظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا خالصا مخلصا لا شك فيه

خدایا دین محوشده خودت را بوسیله امام مهدي عليه السلام تجدید کن و احکام کتابت را که تغییر پیدا کرده است، بوسیله ایشان احیاء کن و احکام تغییر یافته‌ات را بوسیله ایشان آشکار کن تا دین تو به حالت نخست بازگردد در حالی که دست او دین با طراوت، جدید و صحیح و عاری از کژی و بدعت باشد

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن ، مصباح المتهدج، ص 408 ، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة - لبنان  
چاپ الأولى، سال چاپ : 1411 - 1991 م

شیخ طوسي در جای دیگر از امام رضا عليه السلام چنین نقل می‌کند:

رَوَى يُونسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّ الرُّضَا عَ كَانَ يَأْمُرُ بِالْدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا...اللهم طهر منهم بلادك واشف منهم عبادك وأعز به المؤمنين وأحي به سنن المرسلين ، ودارس حکم النبیین و جدد به ما امتحى من دينك و بدل من حكمك حتى تعيد دينك به وعلى يديه جديدا غضا محضا صحيحا , لا عوج فيه ولا بدعة معه

خدایا بلادهایت را از وجود آلوده آنان (کفار، جبارین، ملحدین) پاک کن، و با محو ایشان بندگان را تشفی ده، و مؤمنان را به وجود آن حضرت عزیز گردان، و روش‌های رسولان و احکام کهنه پیامبران را به او زنده کن، و به وسیله او آنچه را از دینت محو شده و از قانونت تغییر یافته، تجدید فرما، تا دینت را به وجود او بازگردانی، و بر دو دست او جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی که کجی در آن دیده نشود و بدعت و پیرایه‌ای همراهش نباشد، تا اینکه با عدالتش تاریکیهای نابرابری را روشن کنی،

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن ، مصباح المتهدج، ص 410 ، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة - لبنان  
چاپ الأولى، سال چاپ : 1411 - 1991 م

در دعایی که در غیبت امام مهدي عليه السلام خوانده می‌شود که شیخ صدوق نیز آن را نقل می‌کند، چنین آمده است:

وَتَطَهَّرَ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعودَ دِينُكَ بِهِ

شهرهای خود را از وجود (جباران و کافران) پاک کن و سینه بندگان را تشفی ده و دین محوشده خودت را به دست حضرت مهدي (ع) تجدید کن و احکام تبدیل شده و سنت تغییر یافته خود را با وجود او اصلاح کن تا دین تو بر برگردد

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381 هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2 ؛ ص 514، تحقیق: علي اكبر الغفاري، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، 1405 هـ . (مکتبه اهل بیت)

در زیارتنامه امام حسن عسکری عليه السلام نیز به این امر اشاره شده است که فرزند آن حضرت با زدودن فرسودگی از اسلام در حقیقت اسلام ناب را تجدید می‌کند و پرده از کهنگی قرآن بر می‌دارد

علامه مجلسی از سید بن طاووس در این خصوص چنین نقل می‌کند:

السلام عليك يا أبا الإمام المنتظر ، الظاهرة للعاقل حجته ، والثابتة في اليقين معرفته المحتجب عن أعين الظالمين ،

درد بر شما ای پدر امام منتظر که برای خردمند حجت او عیان است و شناخت و معرفت او یقینا ثابت است همان کسی که از دیده ستمکاران نماند و از دولت و حکومت فاسقان غایب شده است. همان شخصی که پروردگار ما به وسیله اش دین اسلام را پس از محو شدن و قرآن را پس از کهنه گی تازه می گرداند.

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 99 ص 67، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

در روایتی دیگر اشاره شده است که وقتی حضرت مهدی علیه السلام به امر جدید دعوت می کند، این جدید بودن، به لحاظ غربت اسلام است که غریب می شود

نعمانی چنین نقل کرده است:

حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقدة ، قال : حدثني علي بن الحسن التيملي ، قال : حدثني أخوای محمد وأحمد ابنا الحسن ، عن أبيهما ، عن ثعلبة بن ميمون وعن جميع الكناسي ، جميعا ، عن أبي بصير ، عن كامل ، عن أبي جعفر ( عليه السلام ) أنه قال إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) ، وإن الإسلام بدأ غريبا وسيعود غريبا كما بدأ ، فطوبى للغرباء

ابو بصیر از کامل و از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «قائم ما چون قیام کند مردم را به امر نوینی دعوت خواهد نمود همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت فرمود، و اسلام غریبانه آغاز شد و باز همچنان که غریبانه آغاز شد بود، غریب خواهد گردید، و خوشا بحال غریبان

النعماني، محمد بن إبراهيم، (متوفای 380)، كتاب الغيبة، ص 336، تحقیق: فارس حسون کریم، قم ناشر: أنوار الهدى، سال چاپ: 1422، چاپ: الأولى

شیخ مفید روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند :

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيدًا وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دَثِرَ وَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَانَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمَ مَهْدِيًا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ مَضْلُوقٍ عَنْهُ وَسُمِّيَ الْقَائِمَ لِقِيَامَةِ بِالْحَقِّ

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی قائم قیام کند مردم را از نو به اسلام فراخواند و آنان را به امری که کهنه و فرسوده گردیده و عامه مردم از آن گمراه شده اند، رهنمون سازد. قائم، مهدی نامیده شده است زیرا مردم را به امر گمشده ای راهنمایی می کند و بدین جهت قائم نامیده شده است که برای اقامه حق قیام می کند.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري البغدادي (متوفای 413 هـ)، الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد، ج 2 ص 383، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقیق التراث، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1414هـ - 1993م.

در یکی از ادعیه مربوط به امام مهدی علیه السلام اشاره شده است که حضرت قرآنی را که احکامش تغییر پیدا کرده است، زنده می کند:

اللهم ! جدد به ما امتحی من دینک وأحي به ما بدل من کتابک وأظهر به ما غير من حکمک حتی يعود دینک به وعلی یدیہ غضا جدیدا خالصا مخلصا لا شک فيه وَ لَا شَبْهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ

بار خدایا! به دست او آنچه از دینت فراموش شده را تازه گردان، و آنچه از معانی کتابت تغییر یافته را زنده کن، و آنچه از

احکامات دگرگون شده را آشکار ساز، تا دینت به وسیله او و به دست او شاداب، نوین، ناب و بی‌آلایش گردد آنچنان که شکی در آن نبوده و شبهه‌ای با آن نباشد، و باطل و بدعتی همراه آن نماند

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن، مصباح المتعجب، - ص 408، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة - لبنان  
چاپ الأولى، سال چاپ: 1411 - 1991 م

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای 381هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2؛ ص 514 تحقیق: علي اکبر الغفاري،  
ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، 1405هـ. (مکتبه اهل بیت)

### زنده کردن قرآن با برگرداندن رای نادرست بر قرآن

در برخی روایات ما آمده است، امام مهدی علیه السلام با برگرداندن رای و افکار نادرست مردم به کتاب الهی، قرآن را زنده می‌کند. همچنانکه در بیان حضرت علی علیه السلام درباره امام مهدی علیه السلام در این خصوص چنین نقل شده است:

**وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ. وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.**

و رأی را بقرآن بر می‌گرداند (مردم را از بکار بستن اندیشه‌های نادرست نهی و به رجوع به قرآن و می‌دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار نموده و مخالف آن را دور اندازند) زمانیکه مردم قرآن را به رأی و اندیشه (خود) مبدل کرده باشند (از قرآن چشم پوشیده امور را طبق اندیشه نادرست خود انجام دهند).

نهج البلاغه خطبه ۱۲۸.

بنابراین مراد از آوردن قرآن جدید، اصلاح افکار نادرست مردم بر اساس تعالیم قرآن است.

مراد از تجدید قرآن، قرائتی است که در زمان پیامبر (ص) مرسوم بوده است

در زمان صدر اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت و یا حتی صحابه نیز قرائت خاصی داشتند، لذا این احتمال وجود دارد که علاوه بر موارد فوق، وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، قرائت صدر اسلام را در بین مردم رواج دهد چنانچه علمای اهل سنت نیز به این نوع قرائت اشاره کرده‌اند.

ثعلبی در این باره می‌نویسد:

(مالك يوم الدين) اختلف القراء فيه من عشرة أوجه : الوجه الأول : مالك - بالألف وكسر الكاف - على النعت وهو قراءة النبي صلى الله عليه وسلم وأبي بكر وعمر وعثمان وعلي وطلحة والزبير وسعد وعبد الرحمن بن عوف وابن مسعود وأبي بن كعب ومعاذ بن جبل وابن عباس وأبي ذر وأبي هريرة وأنس ومعاوية ومن التابعين وأتباعهم عمر بن عبد العزيز ومحمد بن شهاب الزهري ومسلمة بن زيد والأسود بن يزيد وأبو عبد الرحمن السلمي وسعيد بن جبيرة وأبو رزين وإبراهيم وطلحة بن عوف وعاصم بن أبي النجود و... بن عمر...

در قرائت «مالك يوم الدين» ده وجه وجود دارد وجه اول اینک مالک با الف و با کسر کاف باشد که صفت برای رب این قرائت پیامبر (ص) و سلم، ابی بکر، عمر عثمان، علی، طلحة، الزبیر، سعد، عبد الرحمن بن عوف، ابن مسعود، ابی بن کعب، معاذ بن جبل، ابن عباس، ابی ذر، ابی هریره، انس، معاویه، از تابعین نیز. تابعین تابعین عمر بن عبد العزیز، محمد بن شهاب، مسلمة، اسود، ابو عبد الرحمن، سعید بن جبیر، ابو رزین، ابراهیم، طلحة بن عوف، عاصم و ابن عمر، بود

الثعلبي النيسابوري، ابواسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم (متوفای 427هـ)، الكشف والبيان، ج ۱ ص ۱۱۲ تحقیق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ-2002م.

در تفسیر قشیری نیز به قرائت پیامبر (صلي الله عليه وآله) در خصوص آیه (فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ) چنین اشاره شده است که حرف «ر» در «الروح» را با ضمه می خواندند

وي مي نويسد:

وقيل : كانت قراءة النبي (الرُّوح) بضم

گفته شده قرائت نبي در خصوص «الروح» با ضم را بوده است

القشيري النيسابوري الشافعي، ابوالقاسم عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك ، (متوفای ۴۶۵هـ)، تفسیر القشيري المسمي لطائف الإشارات، ج 3 ص 281 تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1420هـ - 2000م.

همچنین در خصوص قرائت حضرت علي عليه السلام که دارای قرائت خاصی بود، چنین آمده است:

نحاس مي نويسد:

(فرهان مقبوضة) هذه قراءة علي بن أبي طالب رضي

این نوع خواندن فرهان مقبوضه ، قرائت حضرت علي عليه السلام است

النحاس المرادي المصري، أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعيل (متوفای 338هـ)، إعراب القرآن، ج 1 ص 348 تحقيق: د. زهير غازي زاهد، ناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1409هـ - 1988م.

و در جای دیگر می گوید:

وهي المعروفة من قراءة علي بن أبي طالب

النحاس المرادي المصري، أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعيل (متوفای 338هـ)، إعراب القرآن، ج 4 ص 170، تحقيق: د. زهير غازي زاهد، ناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1409هـ - 1988م.

و یا در جای دیگر می نویسد:

خاتمه مسك) وزعم أن هذه القراءة قراءة علي بن أبي طالب

النحاس المرادي المصري، أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعيل (متوفای 338هـ)، إعراب القرآن، ج 5 ص 181، تحقيق: د. زهير غازي زاهد، ناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1409هـ - 1988م.

ثعلبي نیز به قرائت حضرت علي عليه السلام چنین اشاره می کند:

إن الذين فرّقوا دينهم (قرأ حمزة والكسائي: فارقوا بالألف أي خرجوا من دينهم وتركوه وهي قراءة علي بن أبي طالب كرم

الثعلبي النيسابوري، ابواسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم (متوفای 427هـ)، الكشف والبيان، ج 4 ص 181 تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2002م.

شنقيطي نیز در این خصوص می نویسد:

(أمرنا) بالتشديد . وهي قراءة على رضي الله عنه .

الجكني الشنقيطي، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفای 1393هـ)، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، ج 3 ص 77 تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - 1415هـ - 1995م.

بعد از اینکه مشخص شد قرائت خاص در زمان صدر اسلام متداول بوده است و این نوع قرائت نیز خللی در معنی قرآن ایجاد نمی کرده و تحریف نیز به حساب نمی آید، لازم است بیان شود که وقتی گفته می شود حضرت مهدی علیه السلام قرآن

جدیدی را می‌آورد، یکی از احتمالات در اینجا این است که حضرت قرائتی را که در زمان پیامبر (صلي الله عليه وآله) مرسوم بوده را آشکار می‌کند چون مردمان بعدی با آن قرائت مأنوس نیستند لذا فکر می‌کنند این قرآن جدیدی است.

### خواندن قرآن با شأن نزول

در روایات نقل شده است در زمان پیامبر صلي الله عليه و آله وقتی قرآن نازل می‌شد، صحابه سعی می‌کردند قرآن را به همراه شأن نزول قرائت کنند همچنان درباره آیه تبلیغ که در شأن حضرت علي عليه السلام نازل شده است، این چنین بوده است که نام حضرت را نیز در کنار خود آیه قرائت می‌کردند لذا احتمال دارد مراد از کتاب جدیدی که امام زمان عليه السلام می‌آورد، قرأت قرآن همراه با شأن نزول است که در زمان پیامبر صلي الله عليه و آله مرسوم بوده است سیوطی در این خصوص این چنین روایت می‌کند:

وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال : كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم ) يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك ( ان علياً مولى المؤمنين ) وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای 911هـ)، الدر المنثور، ج ۳ ص ۱۱۷، ناشر: دار الفكر - بيروت - 1993. الألويسي البغدادي الحنفي، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفای 1270هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج 6 ص 193، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت. ابن مردويه، أبي بكر أحمد بن موسى الأصفهاني، متوفای 410، مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) ص 240، تحقيق: جمعه ورتبه وقدم له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ش همچنین ابن مردويه در جای دیگر در مورد چگونگی قرائت آیه دیگر در زمان پیامبر (ص) می‌نویسد:

ابن مردويه، عن ابن عباس : كنا نقرأ على عهد رسول الله : كفى الله المؤمنين القتال بعلي . ابن مردويه از ابن عباس نقل می‌کند که در عصر پیامبر صلي الله عليه و آله ما چنین قرائت می‌کردیم خداوند مؤمنان را از جنگ به وسیله علي بی نیاز ساخت

ابن مردويه، أبي بكر أحمد بن موسى الأصفهاني، متوفای 410، مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) - أبي بكر أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهاني - ص 300 ، حقيق : جمعه ورتبه وقدم له : عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ش سیوطی نیز چنین نقل می‌کند ابن مسعود آیه را چنین قرائت می‌کرده است

وأخرج ابن أبي حاتم وابن مردويه وابن عساكر عن ابن مسعود رضي الله عنه أنه كان يقرأ هذا الحرف ) وكفى الله المؤمنين القتال ( بعلي بن أبي طالب

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای 911هـ)، الدر المنثور، ج 6 ص ۵۹۰، ناشر: دار الفكر - بيروت 1993. الألويسي البغدادي الحنفي، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفای 1270هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ۲۱، ص ۱۷۵، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

بنابراین وقتی گفته می‌شود حضرت مهدی عليه السلام با کتاب جدید می‌آید، احتمال دارد مراد نوع قرائت قرآن همراه با شأن نزول باشد که در زمان پیامبر صلي الله عليه و اله مرسوم بوده است نه اینکه حضرت قرآن جدید می‌آورد

آشکار کردن قرآن حضرت علي عليه السلام که به ترتیب نزول بود

در روایات ذکر شده است که وقتی امام مهدی عليه السلام ظهور کند، طبق قرآن جدش علي عليه السلام حکم می‌کند لذا

وقتی گفته می‌شود حضرت با کتاب جدید می‌آید بخاطر این است که این قرآن از دسترس مردم دور بوده است و وقتی مردم این قرآن را می‌بینند برای آنها چیز جدیدی است. البته لازم به یادآوری است که قرآن حضرت علی علیه السلام همان قرآن در بین مردم ولی به ترتب نزول بوده است، همچنانکه ابن حجر گوید:

**علی آنه جمع القرآن علی ترتیب النزول عقب موت النبی صلی الله علیه وسلم**

علی علیه السلام قرآن را طبق ترتیب نزول بعد از رحلت پیامبر (ص) جمع کرد

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 9 ص 52، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت  
وی همچنین گوید:

**إن مصحف علی کان علی ترتیب النزول أوله اقرأ ثم المدثر ثم ن والقلم ثم المزمّل**

همانا مصحف علی علیه السلام به ترتیب نزول بود به این صورت که اولش سوره اقرأ سپس مدثر بعد ن و القلم و سپس مزمّل بود

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 9 ص 42، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت  
ابن سیرین نیز به این مسئله چنین اعتراف کرده است:

**قال ابن سیرین فبلغنی أنه كتب علی تنزیله ولو أصیب ذلك الكتاب لوجد فيه علم کثیر**

به من رسیده است که علی علیه السلام قرآنش را طبق نزول نوشته است اگر این کتاب یافت شود علوم فراوان در آن پیدا می‌شود

ابن عبد البر النمري القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفای 463 هـ)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج 3 ص 974، تحقیق: علی محمد البجاوي، ناشر: دار الجبل - بیروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ.

الطبري، ابو جعفر محب الدین أحمد بن عبد الله بن محمد (متوفای 694 هـ)، الرياض النضرة في مناقب العشرة، ج 2، ص 217، تحقیق عیسی عبد الله محمد مانع الحمیری، ناشر: دار الغرب الإسلامي - بیروت، الطبعة: الأولى، 1996 م.

الصفدي، صلاح الدین خليل بن أيبك (متوفای 764 هـ)، الوافي بالوفيات، ج 17 ص 167، تحقیق أحمد الأرناؤوط وترکی مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بیروت - 1420 هـ - 2000 م.

در روایات صحیح نیز به این امر اشاره شده است که حضرت مهدی علیه السلام احکام را به روش قرآن حضرت علی علیه السلام اجرا خواهد کرد که چند مورد را ذکر می‌کنیم:

## روایت اول

کلینی روایت صحیحی را در این خصوص چنین نقل کرده است:

محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن أبي هاشم، عن سالم بن سلمة قال: قرأ رجل علی أبي عبد الله (علیه السلام) وأنا أستمع حروفاً من القرآن ليس علی ما يقرؤها الناس، فقال أبو عبد الله (علیه السلام): كف عن هذه القراءة اقرأ كما يقرأ الناس حتى يقوم القائم فإذا قام القائم (علیه السلام) قرأ كتاب الله عز وجل علی **حده وأخرج المصحف الذي كتبه علی (علیه السلام)**

مردی برای امام صادق (ع) چند کلمه از قرآن خواند که من گوش می‌کردم طبق آن روشی که مردم می‌خوانند، نبود. امام صادق (ع) به او فرمود: از این قرائت خودداری کن و چنان قرائت کن که مردم امروزه قرائت می‌کنند تا امام قائم (ع) ظهور



کند و هر گاه امام قائم (ع) ظهور کرد، کتاب خدا عز و جل را بر حدّ و قرار خود می‌خواند و آن مصحفی را که علی (ع) نوشته بود بیرون آورد

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الأصول من الکافی، ج 2 ص 633، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

#### بررسی سند

#### محمد بن یحیی ابو جعفر العطار القمی

نجاشی در خصوص او گوید:

946 - محمد بن یحیی ابو جعفر العطار القمی

شیخ أصحابنا فی زمانه ثقة عین کثیر الحدیث. له کتب منها: کتاب مقتل الحسین [علیه السلام] و کتاب النوادر أخبرني عدة من أصحابنا عن ابنه أحمد عن أبيه بكتبه.

محمد بن یحیی از بزرگان اصحاب ما در زمان خود و ثقه و مایه افتخار بود

رجال النجاشی/باب المیم/353

شیخ طوسی نیز گوید:

- محمد بن یحیی العطار روی عنه الکلینی قمی کثیر الروایة.

محمد بن یحیی کثیر الروایه است

رجال الطوسی/باب ذکر أسماء.../باب المیم/439

ابن داود نیز گوید:

محمد بن یحیی ابو جعفر العطار لم [جخ] روی عنه الکلینی و هو [قمی] کثیر الروایة ثقة.

او کثر الروایه و ثقه است

رجال ابن داود/الجزء الأول من.../باب المیم/340

حلی نیز گوید:

محمد بن یحیی ابو جعفر العطار القمی شیخ من أصحابنا فی زمانه ثقة عین کثیرا

محمد بن یحیی شیخ اصحاب ما در زمان خود ثقه و سرشناس بود

الخلاصة للحلی/الفصل الثالث.../الباب الأول محمد/157

محمد بن الحسین ابي الخطاب:

نجاشی می‌گوید:

جلیل من أصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایة، ثقة، عین، حسن التصانیف، مسکون إلى روايته...

وی فرد با عظمت در میان علمای شیعه بوده و بسیار گرانقدر است، روایات زیادی نقل کرده و مورد اعتماد است و دارای شخصیت برجسته بود. تألیفات خوبی داشت و روایات او اطمینان آور است:

رجال النجاشی، ص 334.

شیخ طوسی او را با عنوان «کوفی ثقه» یاد می‌کند:

کوفی، ثقة.

رجال الطوسي، ص 379؛ معجم رجال الحديث، ج 16، ص 308 - 309، رقم: 10581

**عبد الرحمن بن محمد بن أبي هاشم البجلي أبو محمد :**

نجاشي درباره او گوید:

**جليل من أصحابنا ثقة ثقة**

او جليل القدر و موثق موثق است

رجال النجاشي/باب العين/236

علامه حلي نیز گوید:

**جليل من أصحابنا ثقة ثقة**

الخلاصة للحلي /ص 114

**سالم بن سلمة:**

نام وي سالم بن مكرم بن عبد الله است. نجاشي درباره وثاقت او گوید:

أبو خديجة و يقال: أبو سلمه الكناسي. يقال صاحب الغنم مولى بني أسد الجمال. يقال: كنيته كانت أبا خديجة و أن أبا عبد الله

**عليه السلام كناه أبا سلمه ثقة ثقة**

او موثق موثق است

رجال النجاشي/باب السنين/188

بنابراین روایت معتبر است

### روایت دوم

مرحوم طبرسي نیز روایتی طولانی را درباره قرآن حضرت علي عليه السلام نقل کرده است که حضرت مهدي عليه السلام طبق آن حکم می‌کند. وي مي‌نويسد:

**فقال عليه السلام : نعم إذا قام القائم من ولدي ، يظهره و يَحْمِلُ النَّاسَ عَلَيْهِ فتجري السنة به صلوات الله عليه**

حضرت علي عليه السلام بعد از امتناع عمر از دریافت قرآن، فرمودند: وقتی قائم از اولاد من ظهور نماید مردم را بر اساس آن قرآن راه برده و سنّت به دست او (که درود خدا بر او باد) جاری گردد.

الطبرسي، أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب (متوفای 548هـ)، الاحتجاج، ج 1 ص 228، تحقیق: تعلیق وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، 1386 - 1966 م.

### روایت سوم

روایت دیگری را جابر از امام باقر عليه السلام در این خصوص چنین نقل کرده است:

**وروی جابر ، عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال : إذا قام قائم آل محمد عليه السلام ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن**

**على ما أنزل الله جل جلاله فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم ، لأنه يخالف فيه التأليف**

امام باقر (ع) فرموده است: هنگامی که قائم آل محمد (ع) قیام می‌کند خیمه‌هایی برای افرادی که به مردم قرآن می‌آموزند بر پا می‌شود و آنان قرآن را به ترتیبی که خداوند نازل فرموده است آموزش می‌دهند و حفظ آن در آن روز از این جهت بسیار دشوار است که ترتیب آن بر خلاف ترتیب کنونی آیات و سوره‌هاست.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري البغدادي (متوفای 413 هـ)، الإرشاد في معرفة حجج الله علي

العباد، ج 2 ص 386، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1414هـ - 1993 م.

المجلسي، محمد باقر (متوفى 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 52 ص 339، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983 م.

بنابراین اگر گفته می‌شود امام مهدی علیه السلام کتاب جدید می‌آورد، مراد قرآنی است که در دست حضرت علی علیه السلام بوده و به ترتیب نزول نوشته شده بود و در آن به تفسیر و تاویل آیات نیز اشاره شده بود و در آن علوم فراوانی وجود دارد همچنانکه در منابع اهل سنت آمده است

مراد از آوردن قرآن تاویل آن است

اینکه در روایات آمده است که حضرت مهدی علیه السلام کتاب جدید می‌آورد، مراد تاویل قرآن است نه اینکه کتابی بر خلاف قرآن نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله بیاورد همچنانکه در روایت آمده است:

(هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله) من الآيات التي تأويلها بعد تنزيلها قال : ذلك بعد قيام القائم

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفى 310هـ) تفسير القمي، ج 1 ص 235، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر 1404.

إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب - الشيخ علي اليزدي الحائري - ج 1 ص 59

البته لازم به ذکر است که تاویل قرآن، از چیزهایی است که مختص به اهل بیت می‌باشد همچنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی درباره حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد ثنا فطر عن إسماعيل بن رجاء الزبيدي عن أبيه قال سمعت أبا سعيد الخدري يقول كنا جلوساً ننتظر رسول الله صلى الله عليه وسلم فخرج علينا من بعض بيوت نسائه قال فقمنا معه فانقطعت نعلُهُ فتخلف عليها علي يخصفها فمضى رسول الله صلى الله عليه وسلم ومضينا معه ثم قام ينتظره وقمنا معه فقال ان منكم من يقابل على تأويل هذا القرآن كما قاتلت على تنزيله فاستشرفنا وفينا أبو بكر وعمر فقال لا ولكنه خاصف النعل قال فجئنا نبشروه قال وكأنه قد سمعه

ابوسعید خدری نقل می‌کند که در انتظار تشریف فرمائی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم. فاصله‌ای نشد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از خانه یکی از همسرانش بیرون آمد. از جای برخاستیم که ناگهان بند کفش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پاره شد. علی علیه السلام کفش را گرفت و به وصله زدن آن پرداخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حرکت خود ادامه داد و ما همه همراه آن حضرت حرکت کردیم. پس از اندک فاصله‌ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و ما هم به پیروی از ایشان ایستادیم. پیغمبر صلی الله علیه و آله منتظر آمدن علی علیه السلام بود. در این هنگام، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی یکی از شما برای تاویل قرآن می‌جنگد، همانطور که من برای تنزیل آن جنگیدم. ابو بکر و عمر گفتند: آیا ما همان مردی هستیم که برای بیان تاویل قرآن می‌جنگیم؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، لکن او آن کسی که کفش مرا وصله می‌زند، به ملاقات علی علیه السلام رفتیم تا او را به مأموریتی که در آینده خواهد داشت، مژده دهیم حضرت علی علیه السلام به مژده ما توجهی نکرد و گویا این موقعیت را از خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیده بود

الشیبانی، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 3 ص 82، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

هیثمی درباره سند این روایت گوید:

رواه احمد ورجاله رجال الصحيح غير فطر بن خليفة وهو ثقة

الهيثمى، ابوالحسن نور الدين علي بن أبي بكر (متوفى 807 هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 9 ص 134، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407 هـ.

الباني اين روايت را صحيح دانسته و گوید:

(صحيح)

إن منكم من يقاتل على تأويل هذا القرآن كما قاتلت على تنزيله فاستشرفنا وفيما أبو بكر وعمر فقال: لا ولكنه خاصف النعل . يعني عليا رضي الله عنه .

الألباني ، محمد ناصر الدين، السلسلة الصحيحة، ج 5، 639، الرياض، الناشر: مكتبة المعارف

زدودن فرسودگی و کهنگی از قرآن و اسلامي است که فقط نقش آن باقي مانده است

در روايات اشاره شده است به اینکه زماني مي‌رسد که مردم فرامين قرآن و اسلام را نادیده گرفته و از قرآن و اسلام فقط نقش ظاهري آن باقي مي‌ماند يعني چنان گرد فرسودگی و کهنگی بر قرآن مي‌نشیند که گویی قرآني در بين مسلمين نبوده است. لذا وقتي امام مهدي عليه السلام ظهور مي‌کند و مي‌خواهد احکام قرآن را در جامعه اسلامي به اجرا گذاشته و فرسودگی را از سيمای قرآن بزدايد و تعاليم واقعي اسلام را از نو زنده کند، گویا آن حضرت مردم را به کتاب جديدي فرا می‌خواند که در نزد مردم فراموش شده بوده است.

روایت صحیحی را شیخ طوسی چنین نقل می‌کند:

محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن جعفر بن بشير ومحمد بن عبد الله بن هلال عن العلاء بن رزين القلا عن محمد بن مسلم قال : سألت أبا جعفر ( عليه السلام ) عن القائم عجل الله فرجه إذا قام باي سيرة يسير في الناس ؟ فقال : بسيرة ما سار به رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) حتى يظهر الاسلام قلت و ما كانت سيرة رسول الله ص قال أبطل ما كان في الجاهلية و استقبل الناس بالعدل و كذلك القائم ع إذا قام يبطل ما كان في الهدنة مما كان في أيدي الناس و يستقبل بهم العدل.

علاء بن محمد گوید از حضرت باقر عليه السلام پرسیدم: قائم چگونه در میان مردم رفتار میکند؟ فرمود به روش پیغمبر (ص) عمل می‌نماید تا آنکه اسلام را آشکار می‌سازد. عرض کردم: روش پیغمبر چگونه بود؟ فرمود: پیغمبر آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کرد. قائم هم موقعی که قیام می‌کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان اسلام در میان مسلمین مرسوم گشته از میان می‌برد و مردم را بعدالت گستری رهبری مینماید

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460 هـ)، تهذيب الأحكام، ج 6 ص 104، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخرساني، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، 1365 ش .

علامه مجلسي اين روايت را صحيح دانسته است:

صحيح

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج 9، ص: 409، محقق / مصحح: رجائي، مهدی، ناشر: کتابخانه آیه الله مرعشي نجفی، سال چاپ: 1406 ق چاپ: اول

بررسی سند

محمد بن الحسن الصفار

نجاشي در خصوص وثاقت او گوید:

كان وجهها في أصحابنا القميين ثقة عظيم القدر .

او از سرشناسان اصحاب قمی ما و ثقہ و جایگاهی بزرگ داشت

رجال النجاشي /ص 354 :

حلی نیز گوید:

كان وجهها في أصحابنا القميين ثقة عظيم القدر راجحا قليل السقط في الرواية

الخلاصة للحلي /ص 157 :

محمد بن الحسين بن أبي الخطاب

نجاشي گوید:

محمد بن الحسين بن أبي الخطاب أبو جعفر الزيات الهمداني و اسم أبي الخطاب زيد جليل من أصحابنا عظيم القدر كثير

الرواية ثقة عين

او یکی از اصحاب ما دارای جایگاهی بزرگ و کثیر الروایه و ثقہ است

رجال النجاشي/بابالميم/334

شیخ طوسی نیز گوید:

کوفي ثقة

فهرست الطوسي /ص 400

وي در رجال طوسي نیز او را توثیق کرده است:

ثقة

رجال الطوسي /ص 379

جعفر بن بشير

نجاشي گوید:

جعفر بن بشير أبو محمد البجلي الوشاء من زهاد أصحابنا و عبادهم و نساكهم و كان ثقة

او از زهاد، عبادان و پارسایان اصحاب ما و ثقہ می باشد و

رجال النجاشي/بابالجيم/119

شیخ طوسی نیز گوید:

جعفر بن بشير البجلي ثقة جليل القدر

او ثقہ و جلیل القدر بود

فهرست الطوسي/بابالجيم/بابجعفر/109

علاء بن رزين القلاء

نجاشي گوید:

العلاء بن رزين القلاء... و كان ثقة

رجال النجاشي/بابالعين/ومن هذا.../298

شیخ طوسی نیز گوید:

العلاء بن رزین القلاء .. جلیل القدر ثقة

فهرست الطوسی/باب العین/باب العلاء/322

حلی نیز گوید:

العلاء بن رزین القلاء .. ثقة ثقة

رجال ابن داود/الجزء الأول من.../باب العین المهملة/235

محمد بن مسلم

وی از اصحاب اجماع می باشد

کشی گوید:

اجتمعت العصابة على تصديق هؤلاء الأولين من أصحاب أبي جعفر

بر تصدیق انها اجماع شده است

رجال الكشي/الجزء الأول/الجزء الثالث/238

نجاشی نیز گوید:

وجه أصحابنا بالكوفة فقيه ورع صحب أبا جعفر و أبا عبد الله عليهما السلام و روى عنهما و كان من أوثق الناس

او سرشناس اصحاب ما در کوفه فقیه با تقوا او از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام و از موثق ترن مردم بود

رجال النجاشي /ص324

در روایتی دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله در این خصوص چنین آمده است:

.. إِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ

فَجِينِدُ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَ يُجَدِّدُ الدِّينَ

دوازدهمین فرزندم از نظرها پنهان می گردد و دیده نمی شود و زمانی بر پیروان من خواهد آمد که از اسلام جز نام و از قرآن

جز نقشی باقی نماند. در این هنگام خداوند بزرگ به او (مهدی) اجازه می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند

الخزاز القمي الرازي ، أبي القاسم علي بن محمد بن علي، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر ، ص15، تحقيق: السيد عبد اللطيف

الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، 140هـ .

این روایات بر این امر دلالت دارند که مردم با عمل نکردن به قرآن و دین، باعث غربت و فراموشی این کتاب آسمانی

شده اند و وقتی که حضرت مهدی علیه السلام احکام قرآن و اسلام را اجرا می کند، برای مردم که این امر تازگی دارد نه

اینکه قرآن و اسلام جدیدی را می آورد؟!

بنابراین طبق این روایات حضرت مهدی علیه السلام با قرآن جدید می آورد، به این معنی نیست که حضرت قرآن جدیدی

غیر از قرآن موجود می آورد، بلکه مراد، اجرای احکام تعطیل شده قرآن، آشکار کردن قرآن حضرت علی علیه السلام و یا برپا

کردن قرائت زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است. وقتی که حضرت بدعتها را باطل می کند و احکام و حدود خدا را به

همان گونه ای که صادر شده بود، ظاهر می کند، برای مردم چنین برنامه ای تازگی دارد لذا از این باب است که گفته می شود

حضرت مهدی علیه السلام کتاب جدید می آورد.

آشکار کردن سنت از بین رفته

همچنانکه نقل شده است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله روایات را آتش زده و از بین بردند

ذهبی در این خصوص می‌نویسد:

جمع أبي الحديث عن رسول الله و كانت خمسمائة حديث، فبات ليلته يتقلب كثيراً، قالت: فغمني، فقلت: أنتقلب لشكوى أو شيء بلغك؟ فلما أصبح، قال: أي بنية هلمي الأحاديث التي عندك، فجئته بها، فدعا بنار فحرقها.

پدرم (ابوبکر) احادیث رسول خدا را که پانصد حدیث بود را جمع آوری کرد، شب خوابید و زیاد این پهلو و آن پهلو می‌شد (خوابش نمی‌برد) عایشه می‌گوید من ناراحت شدم، گفتم: آیا مشکلی داری یا خبری به تو رسیده است؟ همان زمانی که صبح شد گفت: ای دخترم آن روایاتی که نزد تو گذاشته بودم بیاور، من آنها را آوردم آتش خواست و آنها را سوزاند.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، تذكرة الحفاظ، ج 1، ص 5 ناشر: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة: الأولى.

همچنین نقل شده است که ابوبکر مردم را از نقل روایات پیامبر صلی الله علیه و آله منع می‌کرد:

جمع الناس بعد وفاة نبيهم فقال إنكم تحدثون عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أحاديث تختلفون فيها والناس بعدكم أشد اختلافًا فلا تحدثوا عن رسول الله شيئاً فمن سألكم فقولوا بيننا وبينكم كتاب الله فاستحلوا حلاله وحرّموا حرامه

ابوبکر بعد از شهادت پیامبر (ص) مردم را جمع کرد و گفت شما از پیامبر (ص) روایاتی را نقل می‌کنید که در آن اختلاف می‌کنید و مردم بعد از شما نیز اختلاف شدیدی پیدا می‌کنند بنابراین از پیامبر (ص) چیزی روایت نکنید و هرگاه کسی از شما سوال کرد بگویید بین ما و شما قرآن کافی است پس حلال آن را حلال و حرامش را حرام بدانید

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، تذكرة الحفاظ، ج 1 ص 2، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة: الأولى.

بنابراین وقتی گفته می‌شود حضرت مهدی علیه السلام سنت و یا حکم جدید می‌آورد، احتمال دارد همان چیزهایی باشد که نابوده شده و از بین رفته است لذا وقتی حضرت آنها را نقل می‌کند، مردم فکر می‌کنند چیزی جدیدی است.

حضرت عیسی نیز دین اسلام را تجدید می‌کند

علمای اهل سنت اعتراف کرده‌اند که حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول در زمان حضرت مهدی علیه السلام، دین پیامبر صلی الله علیه و آله را تجدید می‌کند

قرطبی در ذیل روایاتی مانند «کیف أنتم إذا نزل بن مریم فیکم وإمامکم منکم» که در صحیح بخاری نیز نقل شده است، گوید:

قال علماؤنا رحمة الله عليهم : فهذا نص على أنه ينزل مجدداً لدين النبي صلى الله عليه وسلم للذي درس منه لا بشرع مبتدأ علماء گفته‌اند که این نص بر این است که عیسی در حالی نازل می‌شود که تجدید کننده دین پیامبر (ص) است که فرسوده و کهنه شده است نه اینکه دینی را ابتدائاً بیاورد

الأنصاري القرطبي، ابوعبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفى 671 هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج 16 ص 107 ناشر: دار الشعب - القاهرة.

ابن بطال نیز گوید:

أن عيسى يأتي بتصحيح شريعة محمد

عیسی برای تصحیح شریعت محمد صلی الله علیه و آله می‌آید

ابن بطال البكري القرطبي، ابوالحسن علي بن خلف بن عبد الملك (متوفى 449هـ)، شرح صحيح البخاري، ج 6 ص 605، تحقيق: ابونعيم ياسر بن إبراهيم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، 1423هـ - 2003م.

عيني نیز گوید عیسی (ع) برای آشکار کردن دین پیامبر (ص) نازل می‌شود:

وَأَنَّ الدِّينَ الْحَقُّ هُوَ الدِّينَ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ، وَهُوَ دِينُ الْإِسْلَامِ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي هُوَ نَزَلَ لِإِظْهَارِهِ وَإِبْطَالِ بَقِيَّةِ الْأَدْيَانِ..

دین حق همان دینی که عیسی دارد و آن هم همان دین اسلام دن محمد صلی الله علیه و آله است که عیسی نازل می‌شود و آن دین را آشکار می‌کند و سایر ادیان را باطل می‌کند

العيني الفيتابي الحنفي، بدر الدين ابومحمد محمود بن أحمد (متوفى 855هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج 12 ص 35 ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت.

با این بیان وقتی تجدید دین بوسیله عیسی علیه السلام، به معنی دین جدید آوردن نیست، بلکه به معنی آشکار کردن دین پیامبر صلی الله علیه و آله است، در خصوص حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است.

## نتیجه کلی :

با این توضیحات روش شد:

1. حضرت مهدی علیه السلام به همان قرآن نازل شده و سنت پیامبر (ص) عمل می‌کند
2. مراد از کتاب جدید، اجرای احکام تعطیل شده قرآن، آشکار کردن قرآن حضرت علی علیه السلام، برپا کردن قرائت زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و یا خواندن قرآن با شأن نزول می‌باشد.
3. آشکار کردن قرآن حضرت علی علیه السلام که به ترتیب نزول بود
4. مراد از آوردن قرآن، تاویل آن است
5. حضرت عیسی نیز دین اسلام را تجدید می‌کند
6. مقصود از اسلام جدید نیز این است که با ظهور حضرت مهدی (ع)، اسلامی که مردم از آن دور مانده بودند، جان تازه بر خود گرفته و در بین مردم آشکار شده و به آن عمل می‌شود. در حقیقت حضرت دین اسلام را دوباره بازسازی می‌کند نه اینکه دین جدیدی غیر از دین اسلام می‌آورد و با ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که سنت، قضاء و حکم شریعت، که بخاطر عمل نکردن به آنها فرسوده و کهنه و تغییر پیدا کرده بود، به اجرا در آید تا آنجا که مردم گمان می‌کنند چیز جدیدی است. به عبارت دیگر انقلاب حضرت مهدی (عج) يك دگرگونی عمیق و اساسی است در جامعه ایجاد می‌کند که مردم خیال می‌کنند چیز جدیدی غیر از اسلام است در حالی که حضرت همان اسلام را تجدید می‌کند. بویژه اینکه حکومت در دست حاکمان جور بوده و یا شرائط طوری بوده است که برخی از احکام و حدود، اجرا نشده است، لذا با برپایی حکومت جهانی عادلانه حضرت مهدی علیه السلام این احکام و حدود الهی اجرا می‌شود لذا این برای مردم چیز نو و تازه‌ای است.

موفق باتتیب

کروه پاسخ به تنبهاات

موسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج)